

Legal Feasibility of the Non-Approval of the Qualifications of Candidates for Parliamentary Representation Due to Interference in the Appointment and Dismissal of Executive Officials

Mohammad Hassan Bagheri¹, Aminollah Zamani², Mohammad Boroomand³

¹ PhD, Department of Public Law, Faculty of Law, Theology and Islamic Studies, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran (**Corresponding author**). mohamadhasan92@yahoo.com

² Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran. aminezamani@gmail.com

³ PhD, Guardian Council Research Institute, Tehran, Iran. 313javan.boroomand@gmail.com

Abstract

During successive parliamentary elections of the Islamic Consultative Assembly, a number of candidates usually have prior experience of parliamentary representation, and one of the actions that such candidates may have undertaken during their term of office is encroachment upon the functions of other branches of power, including interference in the appointment and dismissal of executive officials other than ministers; the present study seeks to answer the question of whether the executive boards and the Guardian Council, which are responsible for verifying the qualifications of candidates for elections to the Islamic Consultative Assembly, may refuse to approve the qualifications of such candidates on the basis of the aforementioned conduct, or in other words, what the status of the qualifications of candidates with prior parliamentary experience who have interfered in the appointment and dismissal of executive officials should be. Using a descriptive-analytical research method, the findings indicate that repeated interferences by representatives, through abuse of their position, in the appointment and dismissal of executive officials lead to disruption of the sound administrative system, constitute a breach of the parliamentary oath, and are incompatible with the national character of parliamentary representation; accordingly, bodies supervising candidate qualifications may consider such conduct as an instance of lack of loyalty to the Constitution and to the progressive principle of *wilāyat faqih muṭlaqa* (absolute guardianship of the jurist), and may prevent such individuals from entering the Islamic Consultative Assembly, while it should be noted that actions by representatives in relation to the appointment and dismissal of executive officials, where they are merely consultative in nature and fall within the scope of their lawful duties and powers, are excluded from the application of this ruling.

Keywords: Islamic Consultative Assembly, Constitution, Guardian Council, separation of powers, members of parliament, executive officials.

Cite this article: Bagheri, M.H., Zamani, A. & Boroomand, M. (2025). Legal Feasibility of the Non-Approval of the Qualifications of Candidates for Parliamentary Representation Due to Interference in the Appointment and Dismissal of Executive Officials. *Parliament and Legislation*, 1(2), p. 43-64. <https://doi.org/10.22034/mlaw.2026.18222.1027>

Received: 2025-04-05 ; **Revised:** 2025-05-23 ; **Accepted:** 2025-06-22 ; **Published online:** 2025-10-02

© The Author(s).

Article type: Research Article

Publisher: Islamic Parliament Research Center



امکان سنجی حقوقی عدم تأیید صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس به دلیل دخالت در عزل و نصب مقامات اجرایی

محمدحسن باقری^۱، امین اله زمانی^۲، محمد برومند^۳

^۱ دکتری، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، الهیات و معارف اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده

مسئول). mohamadhasan92@yahoo.com

^۲ استادیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران. aminezamani@gmail.com

^۳ دکتری، پژوهشکده شورای نگهبان، تهران، ایران. 313javan.boroomand@gmail.com

چکیده

در ادوار برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی، معمولاً تعدادی از داوطلبان دارای سابقه نمایندگی مجلس شورای اسلامی هستند. یکی از اقداماتی که ممکن است این دسته از داوطلبان در دوران تصدی خود انجام داده باشند، ورود به وظایف سایر قوا، از جمله دخالت در عزل و نصب مقامات اجرایی غیر از وزرا است. پژوهش حاضر درصدد است به این سؤال پاسخ دهد که آیا هیئت های اجرایی و شورای نگهبان که وظیفه احراز صلاحیت داوطلبان انتخابات مجلس شورای اسلامی را برعهده دارند، می توانند به استناد امر پیش گفته، صلاحیت این داوطلبان را تأیید نکنند؟ به عبارت دیگر، وضعیت صلاحیت داوطلبانی که سابقه نمایندگی داشته و در عزل و نصب مقامات اجرایی دخالت نموده اند، چگونه است؟ روش تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده، نتایج نشان داد که، دخالت های متعدد نمایندگان با سوءاستفاده از جایگاه خود در عزل و نصب مقامات اجرایی، موجب اخلال در نظام اداری صحیح، خنث سوگند نمایندگی و در تنافی با ملی بودن ماهیت نمایندگی مجلس است. مراجع ناظر بر صلاحیت داوطلبان می توانند این امر را به عنوان یکی از مصادیق عدم وفاداری به قانون اساسی و اصل متری ولایت مطلقه فقیه مطمح نظر قرار داده و از ورود این افراد به مجلس شورای اسلامی ممانعت به عمل آورند. لازم به ذکر است که اقدامات نمایندگان در عزل و نصب مقامات اجرایی، اگر جنبه مشورت داشته و در حدود وظایف و اختیارات قانونی آنها باشد، از شمول حکم مذکور مستثنی است.

کلیدواژه ها: مجلس شورای اسلامی، قانون اساسی، شورای نگهبان، استقلال قوا، نمایندگان مجلس، مقامات

اجرایی.

استناد به این مقاله: باقری، محمدحسن؛ زمانی، امین اله؛ برومند، محمد (۱۴۰۴). امکان سنجی حقوقی عدم تأیید صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس به

دلیل دخالت در عزل و نصب مقامات اجرایی. مجلس و قانون گذاری، ۱۱(۲)، ص ۴۳-۶۴. <https://doi.org/10.22034/mlaw.2026.18222.1027>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۳/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰

ناشر: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



۱. مقدمه

امروزه انتخابات به‌عنوان یک نهاد حقوقی در جوامع سیاسی مردم‌سالار نهادینه شده است. انتخابات به‌عنوان مشروع‌ترین ابزار وصول به قدرت و رایج‌ترین شیوه اعمال اراده عمومی در نظام‌های مردم‌سالار محسوب می‌شود (عمید زنجانی و موسی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۳۶۷). از این‌رو، در غالب قوانین انتخاباتی، شرایطی جهت کسب کرسی‌های پارلمان به‌عنوان رایج‌ترین نوع انتخابات وضع شده است. از آنجاکه انتخاب‌شوندگان از بین عموم مردم انتخاب می‌شوند تا انتظارات و خواسته‌های آنان را به بهترین‌وجه تحقق بخشند، طبعاً باید شرایط سخت‌تر و ویژه‌ای در مقایسه با انتخاب‌کنندگان داشته باشند. بر این اساس، بدیهی است هرکسی شایستگی نامزدی انتخابات را ندارد و وضع شروطی جهت تشخیص واجدان شرایط، ضرورتی عقلی است (باقری خوزانی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۵۹). البته، وضع چنین شرایطی باید مورد پذیرش عموم مردم و در انطباق با نظام ارزشی و بینشی حاکم بر جامعه (فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۷، ص ۳۰) و نیز عینی باشد؛ تا امکان هرگونه سوءاستفاده از آن توسط گروه‌های حاکم به‌منظور حذف رقبا رفع شود (باقری خوزانی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۱۲۹). در نظام جمهوری اسلامی ایران مطابق با اصل ۶۲ قانون اساسی، تعیین شرایط انتخاب‌شوندگان مجلس به «قانون عادی» احاله شده است. در این راستا، در ماده (۳۱) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۴۰۲/۵/۱، شرایط نامزدهای انتخابات هنگام ثبت‌نام مشخص شده است.^۱ با دقت در شرایط ماده مذکور می‌توان دریافت که برخی از شروط تعیین‌شده از جمله سن، تابعیت، مدرک تحصیلی، کارت یا گواهی پایان خدمت و وظیفه، کمی و عینی بوده؛ و برخی دیگر، از جمله اعتقاد و التزام عملی به اسلام، التزام عملی به نظام مقدس

۱. ماده ۳۱- انتخاب‌شوندگان هنگام ثبت نام باید دارای شرایط زیر باشند:

- (۱) اعتقاد و التزام عملی به اسلام
- (۲) التزام عملی به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران
- (۳) تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران
- (۴) ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل متری ولایت مطلقه فقیه
- (۵) داشتن مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا معادل آن
- (۶) نداشتن سوء شهرت در حوزه انتخابیه
- (۷) داشتن سلامت جسمی و روانی به‌گونه‌ای که توانایی متعارف انجام وظایف نمایندگی را داشته باشد.
- تبصره- شورای نگهبان می‌تواند در صورت نیاز، موضوع این بند و بند (۶) ماده (۳۳) این قانون را از سازمان پزشکی قانونی کشور استعلام نماید.
- (۸) حداقل سن ۳۰ سال تمام و حداکثر ۷۵ سال تمام
- (۹) گواهی معتبر و مورد تأیید بالاترین مقام نهاد یا مؤسسات مربوط مبنی بر داشتن حداقل پنج سال سابقه فعالیت اجرایی یا آموزشی یا پژوهشی یا قضائی در یک یا همه آنها در بخش دولتی، عمومی یا غیرعمومی در هنگام ثبت‌نام
- (۱۰) داشتن کارت یا گواهی پایان خدمت و وظیفه یا معافیت دائم قانونی.

جمهوری اسلامی ایران، ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه ساحت کیفی داشته و قابل تفسیر است. اگرچه شروط کیفی را ماهیتاً نمی‌توان با معیارهای تماماً عینی بیان کرد؛ ولی قانون‌گذار می‌تواند با استفاده از روش‌های مبتنی بر مبانی نظام جمهوری اسلامی، کلیت و ابهام شرایط را بکاهد و حقوق و تکالیف مراجع انتخاباتی و داوطلبان را به‌نحو مطلوب‌تری تضمین کند (طحان نظیف و قلیچ‌پور، ۱۴۰۰، ص ۳۹). یکی از چالش‌هایی که همواره در ارتباط با شرط «ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه» وجود داشته، تعیین مصادیق این شرط و شیوه احراز آن بوده است. موضوعی که حرکت به سمت کمی و عینی نمودن این قبیل شرایط را ضروری می‌سازد. این موضوع در بند «۱۰» سیاست‌های کلی انتخابات - ابلاغی ۱۳۹۵ مقام معظم رهبری - مورد توجه قرار گرفته و بر ضرورت تعیین دقیق معیارها و شاخص‌ها و شرایط عمومی و اختصاصی داوطلبان در چارچوب قانون اساسی تأکید شده است.

مبتنی بر مقدمه فوق، این پژوهش در جهت تبیین هرچه‌بهرتر و تعیین یکی از مصادیق «ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه» در قالبی توصیفی - تحلیلی، به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که وضعیت صلاحیت داوطلبانی که سابقه نمایندگی داشته و در عزل و نصب مقامات اجرایی دخالت نموده‌اند از نظر شرط مذکور چگونه است؟ فرضیه پژوهش این است که دخالت‌های متعدد و مکرر نمایندگان در دوران تصدی خود در عزل و نصب مقامات اجرایی و یا قضایی با انگیزه منافع شخصی، گروهی، قومی و یا از طریق سوءاستفاده از جایگاه می‌تواند موجب خدشه به استقلال قوا، حث سوگند نمایندگی، ایجاد تبعیض ناروا و اخلال شدید در نظام اداری صحیح باشد. به‌همین دلیل، هیأت‌های اجرایی و شورای نگهبان که وظیفه احراز صلاحیت داوطلبان را برعهده دارند، می‌توانند مستند به بند (۴) ماده ۳۱ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، صلاحیت آنان را تأیید نکنند. شایان ذکر است رفتارها یا اقداماتی که از باب وظیفه نظارت، مشورت و پیگیری اجرای قانون انجام شده باشد و به‌طور کلی، در راستای وظایف نمایندگی بوده، از شمول حکم مذکور مستثنی است. بررسی‌های صورت گرفته گویای آن است که تاکنون هیچ پژوهش مستقلی راجع به موضوع این تحقیق صورت نگرفته و این پژوهش بدیع بوده و دارای نوآوری است. به‌عبارت دیگر، عمده پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه، یا شرایط داوطلبان نمایندگی مجلس را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده و یا حدود صلاحیت شورای نگهبان و نظارت استصوابی این نهاد بر انتخابات مجلس را مورد کنکاش قرار داده‌اند.^۱ برای تحصیل

۱. لاهیجی و باقری خوزانی (۱۴۰۲)، «تأملی بر شاخصه‌های تضمین شفافیت مربوط به نامزدها، مجری و ناظر انتخابات مجلس شورای اسلامی؛ با تأکید بر سیاست‌های کلی انتخابات» پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۲۴(۱).
 نیکونهاد و عساکره (۱۳۹۸)، «گستره و اقتضانات نظارت استصوابی بر انتخابات در نظرات شورای نگهبان؛ با تأکید بر انتخابات مجلس شورای اسلامی»، دانش حقوق عمومی، ۸(۲۶).

مقصود در این پژوهش با شیوه توصیفی - تحلیلی، ابتدا چارچوب مفهومی «نظارت»، «سؤال و استیضاح»، «اظهارنظر و اعلام رأی»، «تحقیق و تفحص» که از جمله وظایف نظارتی نمایندگان است، به شکل اختصار بیان شده؛ تا وجوه افتراق آن با امر «دخالت» مشخص شود و در بخش دوم، مبانی حقوقی عدم تأیید صلاحیت داوطلبانی که سابقه نمایندگی داشته و در عزل و نصب مقامات اجرایی دخالت داشته‌اند، بیان شده است.

۲. چارچوب مفهومی

پیش از ورود ماهوی به بحث، تبیین دقیق مفاهیم کلیدی پژوهش جهت تمیز با مفاهیم مشابه، ضروری به نظر می‌رسد؛ لذا، در ادامه به تبیین این مفاهیم در بحث حاضر پرداخته می‌شود.

۲-۱. نظارت، سؤال و استیضاح

واژه نظارت از ریشه «ن ظ ر» بوده و اصل این ماده در معنای رؤیت و مشاهدۀ بادقت و تحقیق در موضوعات مادی و معنوی با چشمان ظاهری یا چشم بصیرت به کار رفته است (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۴، ص ۱۶۶). بر مبنای همین ریشه لغوی، نظارت در ادبیات عرب در معانی بازرسی، رسیدگی، مطالعه دقیق، تفتیش، بررسی، کنترل و مراقبت استعمال شده است (آذرنوش، ۱۳۸۳، ص ۴۴۴). در ادبیات فارسی نیز مقصود از نظارت در لغت، نظر کردن و نگرستن به چیزی، مراقبت و در تحت نظر و دیده بانی داشتن کاری، مباشرت، حراست و مراقبت در انجام کار است (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۲۶۷۰). از منظر حقوقی، برخی معتقدند نظارت، مجموعه عملیاتی است که مطابق با آن، میزان تطابق عملکرد اشخاص با قوانین و مقررات سنجیده می‌شود؛ تا از این طریق، نسبت به تطابق نتایج عملکرد با هدف‌های مطلوب اطمینان حاصل شود (ملک افضلی، ۱۳۸۲، ص ۲۲). در حقوق عمومی، نظارت به مفهوم کنترل و بررسی اقدامات یک مقام و نهاد حکومتی از سوی مقام و نهادهای دیگر است که غایت آن، حصول اطمینان از باقی ماندن اقدامات یاد شده در حدود و ثغور قانونی است. به تعبیر دیگر نظارت، کنترل قدرت با قدرت است (راسخ، ۱۳۹۰، ص ۲۱). نمایندگان مجلس شورای اسلامی علاوه بر وظیفه تقنین مصرح در اصل ۷۱^۱ قانون اساسی، دارای شأن نظارتی نیز می‌باشند. در این ارتباط، نمایندگان بر عملکرد مقامات قوه مجریه نظارت مستمر سیاسی داشته و چنانچه عملکرد آنان را ضعیف و ناکارآمد تشخیص دهند، می‌توانند با ابزارهای قانونی مشخصی، آنها را بازخواست کنند. در همین راستا، اصل ۸۸^۲ قانون اساسی

۱. اصل ۷۱ قانون اساسی: «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل، در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند».

۲. اصل ۸۸ قانون اساسی: «در هر مورد که حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس جمهور و یا هر یک از نمایندگان از وزیر مسئول، درباره یکی از وظایف آنان سؤال کنند، رئیس جمهور یا وزیر موظف است در

سؤال از رئیس جمهور و وزرا را پیش‌بینی نموده است. همچنین، نمایندگان می‌توانند در صورت عدم اقبال از پاسخ مقامات قوه مجریه، از ابزارهای نظارتی شدیدتری از جمله استیضاح، مصرّح در اصل ۸۹^۱ این قانون استفاده نمایند (هاشمی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۹). ابزارهای نظارتی مذکور می‌تواند کمک شایانی به نمایندگان مجلس شورای اسلامی نماید تا در صورتی که از عملکرد مقامات اجرایی ناراضی بوده و احیاناً اقدامات آنها را برخلاف قوانین و مقررات تشخیص دهند، از آنها استفاده کنند.

۲-۲. اظهار نظر و اعلام رأی

مطابق با اصل (۸۶) قانون اساسی، «نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرائی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد». مفاد این اصل که در اصطلاح حقوقی «مصونیت پارلمانی» نامیده می‌شود، در قوانین اساسی سایر کشورها نیز به نحوی دیده می‌شود.^۲ همچنین در ماده (۷۳) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۹ در ذیل عنوان مصونیت پارلمانی، مورد اشاره قرار گرفته است.^۳ در ماده (۱۰) «قانون نظارت مجلس بر رفتار نمایندگان» اصلاحی ۱۴۰۳/۱۱/۱۶ مجلس شورای اسلامی نیز تصریح شده است: «نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرائی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند، تعقیب یا توقیف کرد». بنابراین، آنچه مسلم می‌نماید و در ارتباط با نمایندگان، آزاد شمرده شده است، «اظهار نظر در مقام وظایف نمایندگی و رأی» است و نه امری دیگر. به عنوان مثال، مطابق با اصل ۸۴ قانون اساسی، «هر نماینده ... حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید»؛ که از جمله آنها می‌توان به نظراتی که نمایندگان در مقام سؤال و استیضاح رئیس جمهور و وزرا مطرح می‌کنند، اشاره کرد.

مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید در مورد رئیس جمهور بیش از یک ماه و در مورد وزیر بیش از ده روز به تأخیر افتد، مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی».

۱. اصل ۸۹ قانون اساسی: «نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانند در مواردی که لازم می‌دانند، هیئت وزیران یا هر یک از وزراء را استیضاح کنند ...».

۲. ر. ک.: قوانین اساسی اتریش (ماده ۵۷)، بلژیک (ماده ۵۸)، فرانسه (ماده ۲۶)، ایتالیا (ماده ۶۸)، ترکیه (ماده ۸۳)

۳. «بر طبق اصل هشتاد و ششم (۸۶) قانون اساسی، نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند، یا آرائی که در مقام ایفای وظایف خود داده‌اند، تعقیب یا توقیف کرد و یا از حقوق اجتماعی محروم نمود». طبق تبصره این ماده «وظایف نمایندگی شامل نطق، بحث‌های داخل دستور، بحث‌های جلسات کمیسیون‌ها، اظهار نظراتی که برای اعمال اصل هشتاد و چهارم (۸۴) قانون اساسی انجام می‌شود و سایر موارد نظارتی و قانونی است».

۳-۲. تحقیق و تفحص

مطابق با اصل ۷۶ قانون اساسی، «مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد». «تحقیق» به معنای بررسی کردن و مطالعه دقیق نظری یا عملی نظام‌مند و هدف‌دار برای پی‌بردن به چیزی یا کشف حقیقت، و «تفحص» نیز مترادف جست‌وجو، تحقیق و بررسی کردن تعریف شده است (انوری، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۱۶۳۹). به تصریح اصل مذکور، حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور متعلق به «مجلس شورای اسلامی» است. بنابراین، تصدی این امر توسط «نمایندگان مجلس» بدون اینکه موضوع تحقیق و تفحص از سوی مجلس به تصویب رسیده باشد، مغایر با این اصل است. شورای نگهبان نیز در مقام تفسیر این اصل، نظرات تفسیری در تأیید این برداشت ارائه داده است. به عنوان نمونه، این نهاد در نظر تفسیری شماره ۲۸۱۳ خود در تاریخ ۱۳۶۰/۴/۳ چنین اظهار داشته است: «... حق مذکور در اصل ۷۶ در حقوق مجلس شورای اسلامی است و نمایندگان این حق را ندارند». این نهاد در نظر تفسیری شماره ۲۴۳۹ مورخ ۱۳۶۱/۱/۱۷ نیز بیان داشته است: «اصل ۷۶ قانون اساسی مربوط به مجلس شورای اسلامی است و نه آحاد نمایندگان...».

ماده (۲۱۲) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، اصلاحی ۱۳۸۷/۹/۲۶ نیز ترتیبات و تشریفات تحقیق و تفحص را به نحوی بیان کرده که جملگی نشان از این دارد که این حق، منحصر به یک یا چند فرد از نمایندگان نبوده و یک حق جمعی است که باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.^۱

۴-۲. دخالت

واژه دخالت از ریشه «د خ ل» بوده، به معنای داخل شدن و در عری، به جای آن «مداخله» مستعمل است (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۱۵۷۰). همچنین، مداخله به معنای «در امری داخل شدن و دخالت کردن در کاری است» (معین، ۱۳۷۱، ص ۳۹۵۷). قانون‌گذار ایران نیز این دو واژه را به یک معنا به کار برده است. به عنوان نمونه، در ماده ۶۶۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ مجلس شورای اسلامی این دو

۱. «هرگاه نماینده‌ای تحقیق و تفحص در هریک از امور کشور را لازم بداند، تقاضای خود را به صورت کتبی به هیئت رئیسه مجلس تسلیم نموده و هیئت رئیسه ظرف ۴۸ ساعت آن را به کمیسیون تخصصی ذی‌ربط جهت رسیدگی ارجاع می‌نماید. کمیسیون موظف است حداکثر ظرف ۲ هفته از تاریخ وصول، اطلاعاتی را که در این زمینه کسب نموده، در اختیار متقاضی یا متقاضیان قرار دهد. در صورتی که متقاضی یا متقاضیان، اطلاعات کمیسیون را کافی تشخیص ندهند، کمیسیون موظف است ظرف یک هفته از متقاضی یا متقاضیان و بالاترین مقام دستگاه اجرایی ذی‌ربط دعوت به عمل آورد و دلایل ضرورت تحقیق و تفحص و نظرات مقام فوق‌الذکر را استماع نماید و تا مدت ۱۰ روز گزارش خود را مبنی بر تصویب یا رد تقاضای تحقیق و تفحص به هیئت رئیسه مجلس ارائه دهد...».

واژه به جای یکدیگر به کار رفته‌اند.^۱ به نظر می‌رسد برای آنکه بتوان رفتاری را تحت عنوان «مداخله» و یا «دخال» قلمداد کرد، آن است که رفتار مرتکب، بدون اذن از سوی اشخاص ذی‌صلاح باشد و همچنین، آن رفتار در صلاحیت قانونی فرد مداخله‌گر نیز نباشد (نبی، ۱۴۰۱، ص ۳۳۹). به عنوان مثال، قانون‌گذار در ماده ۵۷۷ از قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات) دخالت مستخدمین و مأموران دولتی در امور قضایی را جرم دانسته است.^۲ شایان ذکر است رفتار مداخله‌گرانه می‌تواند به شکل مستقیم و یا غیرمستقیم باشد. قانون‌گذار به چنین مداخله‌ای نیز اشاره کرده است؛ در ماده ۲ از «قانون راجع به منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری» مصوب ۱۳۳۷/۱۰/۲۲ مجلس شورای ملی بیان شده است: «اشخاصی که برخلاف مقررات ماده فوق، شخصاً و یا به نام و یا واسطه اشخاص دیگر مبادرت به انجام معامله نمایند و یا به عنوان دآوری در دعاوی فوق‌الاشعار شرکت کنند و همچنین، هریک از مستخدمین دولتی (اعم از کشوری و لشگری) و سایر اشخاص مذکور در ماده فوق در هر رتبه و درجه و مقامی که باشند، هرگاه برخلاف مقررات این قانون عمل نمایند، به حبس مجرد از دو تا چهار سال محکوم خواهند شد و...». در مقام جمع‌بندی و تعریف امر «دخال» نمایندگان در امور اجرایی و قضایی باید گفت: هرگونه اقدام و تلاش مستقیم یا غیرمستقیم مغایر قانون، مقررات و یا شرع برای انتصاب اشخاص یا جابه‌جایی آنها در جایگاه یا مقام شغلی آنها می‌باشد. این اقدامات ممکن است به شکل مستقیم در ارتباط با مقام منصوب‌کننده باشد و یا اعمال فشار و زور بر برخی مقامات بالاتر یا نهادهای مؤثر در انتصابات باشد. به نظر می‌رسد «دخال»، یک امر مقید به نتیجه نیست و صرف تلاش و اقدام برای جابه‌جایی یا انتصاب اشخاص، وافی به مقصود است؛ زیرا این امر خود به تنهایی موجب اخلال در نظام اداری و اجرایی کشور است. به عنوان مثال، مطابق با اصل ۱۵۸^۳ قانون اساسی،

۱. ماده ۶۶۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ مجلس شورای اسلامی: «هر کس عالمأً در اشیاء و اموالی که توسط مقامات ذی‌صلاح توقیف شده است و بدون اجازه دخالت یا تصرفی نماید که منافعی با توقیف باشد، ولو مداخله‌کننده یا متصرف مالک آن باشد، به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد».
۲. «چنانچه مستخدمین و مأمورین دولتی اعم از استانداران و فرمانداران و بخشداران یا معاونان آنها و مأمورین انتظامی در غیر موارد حکمیت در اموری که در صلاحیت مراجع قضائی است، دخالت نمایند و با وجود اعتراض متداعیین یا یکی از آنها یا اعتراض مقامات صلاحیت‌دار قضائی رفع مداخله نمایند، به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهند شد».

۳. اصل ۱۵۸ قانون اساسی: «وظایف رئیس قوه قضائیه به شرح زیر است:

- (۱) ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و ششم
- (۲) تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی
- (۳) استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون».

تغییر محل مأموریت قضات از جمله وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه بوده و اقداماتی (اعمال فشار به مقامات بالاتر) که بعضاً نمایندگان در دوران تصدی خود جهت تغییر محل خدمت مقامات قضایی در حوزه انتخابیه خود انجام می‌دهند، از جمله مصادیق دخالت در امور قضایی است. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت آن است که پیش‌بینی حق سؤال، استیضاح و نظارت برای نمایندگان و سایر دخالت‌های مجلس شورای اسلامی در ارتباط با قوه مجریه و قضائیه^۱ و اقداماتی که نمایندگان از باب امر به معروف و نهی از منکر^۲ توصیه و یا مشورت انجام می‌دهند، از تعریف «دخالت» و یا «مداخله» غیرقانونی انصراف دارد. در حال حاضر، در قوانین و مقررات جاری کشور در ارتباط با ضمانت اجرای دخالت نمایندگان در امور اجرایی و قضایی، حکم خاص و صریحی وجود ندارد و می‌توان گفت در این زمینه با خلأ قانونی مواجه هستیم. مبتنی بر بند (۱۳)^۳ سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۵، مقتن عادی باید سازوکاری را در قوانین پیش‌بینی نماید تا در صورتی که نماینده در دوران تصدی خود برخی از شرایط مصرح قانونی را از دست داد، اقدامات لازم را به عمل آورد. شاید بتوان گفت چنین اقداماتی توسط نمایندگان، یکی از مصادیق بند (ب) ماده (۲) «قانون نظارت مجلس بر رفتار نمایندگان» مصوب ۱۳۹۱/۱/۱۵ مجلس شورای اسلامی، یعنی رفتار خلاف شئون نمایندگی است. مطابق با ماده (۲)^۴ قانون مذکور، هیأت نظارت بر رفتار نمایندگان می‌تواند به «گزارش‌های مربوط به رفتار خلاف شئون نمایندگی» رسیدگی نماید. در تبصره (۱) ماده (۲) نیز بیان شده است: «منظور از موارد خلاف شئون نمایندگی، رفتار خلاف عرف مسلم نمایندگی است؛ به‌نحوی که نوعاً نمایندگان، آن را خلاف شأن بدانند». البته، حتی اگر گفته شود مطلق دخالت در امور اجرایی، مغایرت مسلم با عرف

۱. اصل نود قانون اساسی: «هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضائیه مربوط است، رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد، به اطلاع عامه برساند».

۲. اصل هشتم قانون اساسی: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل برعهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند، «و الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ».

۳. بند ۱۳- تعیین سازوکار لازم برای حسن اجرای وظایف نمایندگی، رعایت قسم‌نامه، جلوگیری از سوءاستفاده مالی، اقتصادی و اخلاقی و انجام اقدامات لازم در صورت زوال یا کشف فقدان شرایط نمایندگی مجلس در منتخبان.

۴. «ماده ۱- به منظور حفظ شأن و منزلت نمایندگان و نظارت درباره امور مربوط به دوران نمایندگی در ابتدای هر دوره مجلس شورای اسلامی و حداکثر سه ماه پس از انتخاب هیأت رئیسه دائمی، هیأت نظارت که از این پس هیأت نامیده می‌شود، مرکب از افراد زیر برای همان دوره تشکیل می‌گردد: الف- یکی از نواب رئیس به انتخاب هیأت رئیسه برای هر سال ب- ...».

نمایندگی ندارد؛ باز هم چگونگی دخالت بایستی مورد مذاقه قرار گیرد. در صورتی که مداخله شدید باشد و چنین اقداماتی توسط هیأت مذکور رسیدگی نشود، یا به دلیل عدم ضمانت اجرای کافی مذکور در ماده (۶)^۱ «قانون نظارت مجلس بر رفتار نمایندگان»، در دوران تصدی خود از این اقدامات اجتناب نمایند؛ مراجع ناظر بر صلاحیت داوطلبان می توانند در شرایطی که این نمایندگان مجدداً در انتخابات شرکت کنند، اقدامات آنها را مؤثر در روند بررسی صلاحیت آنها قرار دهند. توضیح آنکه، شورای نگهبان بر نامزدهای انتخابات مجلس شورای اسلامی از حیث وجود صلاحیت‌ها نظارت دارد، نه بر نمایندگان مجلس طول یک دوره از حیث بقای صلاحیت‌ها. به دیگر سخن، هرچند نظارت شورای نگهبان بر نامزدهای انتخاب مجلس شورای اسلامی براساس ماده (۳) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، استصوابی و عام است؛ اما محدود به مراحل انتخاباتی بوده و طبق ماده ۶۶ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، نهایتاً این نظارت تا مرحله تأیید اعتبارنامه‌ها ادامه داشته و منشأ اثر است و بعد از تأیید اعتبارنامه، عملکرد شورای نگهبان در خصوص نامزدها به پایان رسیده و در صورت عدم بقای صلاحیت در نمایندگان، شورای نگهبان مجوز قانونی اعمال نظارت در طول دوره را نخواهد داشت. به همین جهت، در صورت بروز خلاfi دال بر ازاله شرایط نمایندگی، تنها می توان در بررسی دوره بعد از آن استفاده کرد.

۳. مبانی حقوقی عدم تأیید داوطلبان مداخله کننده در عزل و نصب مقامات اجرایی

پس از روشن شدن برخی از مفاهیمی که ممکن است با مفهوم «دخالت» خلط شده و اقدامات برخی از نمایندگان در عزل و نصب مقامات اجرایی را قانونی جلوه دهد، در این قسمت، مبانی حقوقی عدم تأیید صلاحیت آنها به دلیل دخالت در عزل و نصب مقامات اجرایی مورد تحلیل و ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۳-۱. اصل استقلال قوا

اصل تفکیک قوا در حکومت‌های مردم‌سالار در راستای تحقق اراده‌ها و خواست‌های جمعی مردم، تبلور یافته است. این اصل، ابزاری اساسی برای جلوگیری از تمرکز قدرت سیاسی در دست یک فرد یا یک گروه و اجتناب از خودکامگی و استبداد است (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۷۳، ص ۱۵۶). نظریه پردازان دیدگاه

۱. «ماده ۶ (اصلاحی ۱۴۰۳/۱۱/۱۶) هیأت با توجه به اهمیت تخلفات و شرایط و موقعیت ارتکاب آنها نسبت به اعمال یک یا چند مجازات ذیل تصمیم می‌گیرد: الف- تذکر شفاهی بدون درج در پرونده ب- تذکر کتبی با درج در پرونده کارگزینی پ- اخذ تعهد کتبی مبنی بر عدم تکرار تخلف ت- کسر حقوق از یک ماه تا یک سال به میزان یک‌دوم ث- محرومیت از عضویت در مجامع و شوراها یا کمیته‌های تحقیق و تفحص یا کمیسیون‌های خاص مجلس ج- محرومیت از نامزدی برای عضویت در هیأت رئیسه مجلس و هیأت‌رئیسه کمیسیون‌ها چ- اعلام یک یا چند تخلف نماینده در جلسه غیرعلنی توسط رئیس مجلس ح- اعلام یک یا چند تخلف نماینده در جلسه علنی توسط رئیس مجلس».

ماهوی حاکمیت قانون نیز، تفکیک قوا را به‌ویژه از این جهت که قدرت را محدود و کنترل می‌نماید، به عنوان «بهترین و عادلانه‌ترین شیوه حکومت‌داری برای تحقق حاکمیت قانون می‌دانند» (راعی و عطریان، ۱۳۹۱، ص ۱۲۷). اندیشه تفکیک قوا در نظام جمهوری اسلامی ایران، ارزش‌طریقی داشته و تنها به‌عنوان مسیری برای مهار قدرت، اعتبار شده است؛ به همین جهت، اندیشمندان اسلامی نیز از آن جهت که اصل تفکیک قوا در سیره نقلی و حکومتی اسلام دیده نمی‌شود، بر طریقت داشتن این اصل برای اداره و سیاست امور کشور تأکید کرده‌اند (ارسطا و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۹). این تفکیک قوا و تقسیم وظایف میان سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه در اصول (۵۷)،^۱ (۵۸)،^۲ (۶۰)^۳ و (۶۱)^۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تبیین و به رسمیت شناخته شده است. الگوی مناسب و صحیح استقلال قوا در جمهوری اسلامی ایران، الگویی است که سه قوه در عرض همدیگر و نسبتاً مستقل از هم هستند و این سه قوه زیر نظر قوه رهبری اداره و هماهنگ می‌شوند؛ که به این الگو به صراحت در اصل ۵۷ قانون اساسی اشاره شده است (صنّعی منفرد، ۱۳۸۰، ص ۷۲). بدین جهت، واژه استقلال قوا در مقابل تفکیک قوا در قانون اساسی انتخاب شده و بدین معنا است که «دخالت‌های هماهنگ‌کننده» و «تأثیرات متقابل سیاسی» قوا نسبت به یکدیگر تا زمانی که به استقلال آنان ضربه نزنند، جایز است (عمید زنجانی، ۱۳۸۵، ص ۲۷۴). طریق عزل و نصب مقامات اجرایی در قوانین و مقررات مشخص شده و دخالت‌های نمایندگان از این حیث موجب تداخل در وظایف و اختیارات قوه مجریه است. به‌عنوان مثال، مطابق با ماده (۷۱) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ مجلس شورای اسلامی، استانداران، معاونین وزرا و سفرا جزء مقامات محسوب شده^۵ و به موجب بند (ب) ماده (۵۴) از قانون مذکور، عزل و نصب

۱. اصل (۵۷) قانون اساسی: قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.
۲. اصل (۵۶) قانون اساسی: اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحل که در اصول بعد می‌آید، برای اجرای به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد.
۳. اصل (۶۰) قانون اساسی: اعمال قوه مجریه جز در اموری که مستقیماً برعهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و وزراء است.
۴. اصل (۶۱) قانون اساسی: «اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی پردازد».
۵. ماده ۷۱- سمت‌های ذیل، مدیریت سیاسی محسوب شده و به عنوان مقام شناخته می‌شوند و امتیاز شغلی مقامات مذکور در این ماده به شرح زیر تعیین می‌گردد:
 الف) رؤسای سه قوه (۱۸۰۰۰) امتیاز ...
 د) استانداران و سفراء (۱۵۰۰۰) امتیاز ...
 هـ) معاونین وزرا (۱۴۰۰۰) امتیاز ...

آنها از اختیارات مقام بالاتر می‌باشد.^۱ همچنین، به موجب مواد (۴)، (۵) و (۶) «طرح تعیین وظایف و اختیارات استانداران و فرمانداران و نحوه عزل و نصب آنان» مصوب ۱۳۷۷/۷/۲۸ شورای عالی اداری، انتصاب استانداران به پیشنهاد وزیر کشور و تصویب هیأت وزیران با حکم رئیس جمهور و عزل آنها به پیشنهاد وزیر کشور، تأیید رئیس جمهور و حکم وزیر کشور انجام می‌شود. نصب و عزل فرمانداران نیز با پیشنهاد استاندار و تأیید و حکم وزیر کشور است. نصب و عزل بخشداران نیز با پیشنهاد فرماندار و تأیید استاندار و حکم وزیر کشور خواهد بود. همچنین، به موجب ماده (۵۳) قانون پیش گفته، «انتصاب و ارتقاء شغلی کارمندان باید با رعایت شرایط تحصیلی و تجربی لازم و پس از احراز شایستگی و عملکرد موفق در مشاغل قبلی آنان صورت گیرد». شایان ذکر است مطابق با ماده (۵۴) قانون مزبور اولاً، باید در انتخاب مدیران نظام، شایستگی حاکم باشد؛ ثانیاً، ثبات در خدمت مدیران وجود داشته باشد و ثالثاً، در انتخاب و انتصاب افراد به پست‌های مدیریت حرفه‌ای، شرایط تخصصی لازم کسب شده باشد.^۲

۳-۲. انحصار امور اجرایی در قوه مجریه مبتنی بر نظرات شورای نگهبان

شورای نگهبان در برخی موارد، ورود قانون‌گذار یا هر نهاد دیگری غیر از قوه مجریه در حیطه امور اجرایی را مغایر با قانون اساسی اعلام کرده و به شکل تلویحی نظر خود را در خصوص ماهیت امور اجرایی و انحصار اجرای آنها توسط دولت بیان داشته است. از بررسی رویه شورای نگهبان درباره قوه مجریه و صلاحیت آن، چنین استنباط می‌شود که «امر اجرا»، حوزه صلاحیت مستقلی از امر تقنین و قضا است (فلاح‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۲۵۶). این نهاد، ورود قوه مقننه در عزل و نصب مقامات اجرایی (غیر از وزار) را مغایر با اصل ۵۷ قانون اساسی اعلام نموده است. به عنوان نمونه، این نهاد در نظر شماره م/۲۴۲۸ مورخ ۱۳۶۰/۳/۵ تأیید صلاحیت رئیس بانک مرکزی توسط مجلس^۳ را مورد ایراد قرار داد. همچنین، براساس نظر شماره ۸۲۹۳ مورخ ۱۳۶۲/۱/۳۱ شورای نگهبان، هر هیأتی که در قوه مجریه تشکیل شود و وظایف اجرایی داشته باشد، قوه مقننه حق دخالت در تصمیم‌گیری‌ها و تشکیل جلسات آن را ندارد (راجی

۱. ب- عزل و نصب متصدیان پست‌های مدیریت سیاسی (مذکور در ماده (۷۱) این قانون) بدون الزام به رعایت مسیر ارتقاء شغلی، از اختیارات مقامات بالاتر می‌باشد.

۲. ماده ۵۴- به منظور استقرار نظام شایستگی و ایجاد ثبات در خدمت مدیران، دستگاه‌های اجرایی موظفند اقدامات زیر را انجام دهند: الف- در انتخاب و انتصاب افراد به پست‌های مدیریت حرفه‌ای، شرایط تخصصی لازم را تعیین نموده تا افراد از مسیر ارتقاء شغلی به مراتب بالاتر ارتقاء یابند. در مواردی که از این طریق امکان انتخاب وجود نداشته باشد، با برگزاری امتحانات تخصصی لازم، انتخاب صورت می‌پذیرد ...

۳. ۱- آن قسمت از بند (۱) ماده واحده که تعیین رئیس کل بانک مرکزی و قائم مقام او را مقید به تأیید صلاحیت آن‌ها به وسیله مجلس شورای اسلامی می‌نماید، چون نوعی دخالت قوه مقننه در قوه مجریه می‌باشد، با اصل ۵۷ قانون اساسی مغایر است.

و برومند، ۱۳۹۲، ص ۱۱۵).^۱ و یا اینکه، شورای نگهبان تبصره ۲ ماده ۴ «لایحه احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور» را از این جهت که دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی را به‌عنوان عضو ناظر بر سازمان تنظیم مقررات بیمه‌های بازنشستگی کشور معین کرده بود، مغایر با اصل ۵۷ قانون اساسی و نیز اصول نظارتی مجلس شورای اسلامی دانست.^۲ همچنین، براساس نظر شورای نگهبان، قوای مقننه و قضائیه حق دخالت در تصمیم‌گیری‌ها و تشکیل جلسات شوراهایی که در قوه مجریه تشکیل شده و وظایف اجرایی و نظارتی داشته باشند را ندارند؛ مگر آنکه پس از دخالت، مصوبات شورا به تأیید وزیر مربوطه یا رئیس‌جمهور برسد (راجی و برومند، ۱۳۹۲، ص ۱۱۸). چنانکه شورای نگهبان در نظر شماره ۸۴/۳۰/۱۲۶۵۹ مورخ ۱۳۸۴/۴/۱۵ خود، محول کردن تصمیم‌گیری در امور اجرایی به شورایی که غیر از قوه مجریه در آن عضویت دارند را خلاف اصل (۶۰) قانون اساسی می‌داند.^۳ در نهایت، این نهاد مواردی که مجلس از وظایف نظارتی و تقنینی خود در قانون اساسی فراتر رفته را مغایر با اصول (۵۷) و (۶۰) قانون اساسی دانسته است. با تبع و غور در نظرات شورای نگهبان، می‌توان دریافت صلاحیت اعمال قوه مجریه یا به تعبیری مدیریت انجام امور اجرایی، منحصرراً در اختیار مقامات قوه مجریه می‌باشد؛ که در اصل (۶۰) قانون اساسی ذکر شده و دخالت نمایندگان در این امر، مغایر با قانون اساسی است.

۳-۳. حثت سوگند نمایندگی

اصل ۶۷ قانون اساسی که مفاد آن ناظر بر سوگند نمایندگان در نخستین جلسه مجلس شورای اسلامی است، در مقام بیان برخی از شرایط مهم برای تصدی نمایندگی مجلس برآمده است.^۴ به عبارت دیگر،

۱. اگرچه مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد، ولی از لحاظ اینکه هیأت مذکور در بند ۲ وظایف اجرایی دارد و به موجب این بند جلسات هیأت بدون حضور ناظر مجلس شورای اسلامی رسمیت ندارد، با استقلال قوه مجریه که مطرح در اصل ۵۷ قانون اساسی است، مغایرت دارد».

۲. نامه شماره ۹۵/۱۰۲/۲۱۹۵ مورخ ۱۳۹۵/۶/۱۶ شورای نگهبان.

۳. ۲- ماده (۵) با توجه به تبصره (۱) آن از این نظر که تصمیم‌گیری در امور اجرایی را به شورایی محول نموده که غیر از قوه مجریه در آن عضویت دارند، مغایر اصول ۵۷ و ۶۰ قانون اساسی شناخته شد».

۴. اصل ۶۷ قانون اساسی: «نمایندگان باید در نخستین جلسه مجلس به ترتیب زیر سوگند یاد کنند و متن قسم نامه را امضاء نمایند. بسم الله الرحمن الرحیم؛ «من در برابر قرآن مجید، به خدای قادر متعال سوگند یاد می‌کنم و با تکیه بر شرف انسانی خویش تعهد می‌نمایم که پاسدار حریم اسلام و نگاهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران و مبانی جمهوری اسلامی باشم، و دیعه‌ای را که ملت به ما سپرده، به عنوان امانی عادل پاسداری کنم و در انجام وظایف وکالت، امانت و تقوی را رعایت نمایم و همواره به استقلال و اعتلای کشور و حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم پایبند باشم، از قانون اساسی دفاع کنم و در گفته‌ها و نوشته‌ها و اظهارنظرها، استقلال کشور و آزادی مردم و تأمین مصالح آنها را مد نظر داشته باشم». نمایندگان اقلیت‌های دینی این سوگند را با ذکر کتاب آسمانی خود یاد خواهند کرد. نمایندگان که در جلسه نخست شرکت ندارند، باید در اولین جلسه‌ای که حضور پیدا می‌کنند، مراسم سوگند را به جای آورند.

اگرچه در این اصل تصریحی مبنی بر شرایط انتخاب‌شوندگان نمایندگی مجلس وجود ندارد؛ اما با عنایت به برخی از عبارت‌های سوگندنامه، به خوبی می‌توان دریافت که چه کسانی صلاحیت و شایستگی نمایندگی مجلس شورای اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران را دارا می‌باشند. ازجمله شرایطی که می‌توان از متن سوگندنامه به‌عنوان شرایط انتخاب‌شوندگان برداشت نمود، «عدالت»، «امانت‌داری»، «تقوا»، «داشتن روحیه خدمتگزاری به مردم»، «تأمین مصالح عمومی جامعه» و «دفاع از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» است. شورای نگهبان نیز، شرایط فوق‌الذکر را در نظرات خود مورد توجه قرار داده است. به‌عنوان نمونه، در لایحه اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب جلسه مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی مقرر شده بود: داوطلبان هنگام ثبت‌نام باید «مسلمان» باشند^۱ که شورای نگهبان، اطلاق اکتفاء به شرط مسلمان بودن برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی را مغایر بند (۱) اصل ۳ و اصل ۶۷ قانون اساسی اعلام نمود.^۲ همچنین، در طرح سه‌فوری دیگری^۳ مقرر شده بود، ضابطه وجود شرایط التزام عملی به اسلام، ولایت فقیه و قانون اساسی، عرفی است و در صورتی که اظهار خود داوطلب برای هیأت‌اجرائی یا هیأت‌نظارت کافی تشخیص داده نشود؛ تأییدیه کتبی ۱۰ نفر از برخی از افراد در حوزه انتخابیه داوطلب، به‌عنوان تأیید عرفی تلقی و برای هیأت‌های اجرایی و مراجع نظارتی کافی و لازم‌الاتباع باشد.^۴ شورای نگهبان به‌دلیل اینکه با تصویب بند مذکور، امکان ورود افراد «غیر امین و عادل» به مجلس فراهم می‌شد، آن را مغایر با قانون اساسی اعلام

۱. لایحه اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب جلسه مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی. در این مصوبه مقرر شد بود:

«... ماده ۱۱- ماده (۲۸) قانون مذکور و تبصره‌های آن به این شرح اصلاح می‌شود: ماده ۲۸- داوطلبان هنگام ثبت نام باید دارای شرایط زیر باشند: ۱- مسلمان بودن؛ ۲- ابراز وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در فرم ثبت نام؛ ۳- ...».

۲. نظر شماره ۸۲/۳۰/۲۷۱۲ مورخ ۱۳۸۲/۱/۱۱ شورای نگهبان:

«... ۱۰- با توجه به اینکه یکی از قوای حاکم که نقش مؤثری در شئون مختلف حاکمیت نظام اسلامی دارد، مجلس شورای اسلامی است، حذف التزام علمی به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از بند (۱) ماده (۲۸) و حذف وفاداری به اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه از بند (۳) این ماده و اطلاق اکتفا به شرط مسلمان بودن برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی در بند (۱) ماده (۲۸) موضوع ماده (۱۱) مستلزم تجویز ورود افرادی به مجلس می‌شود که عامل به احکام اسلام نیستند و التزام عملی به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران ندارند و نیز وفادار به اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه نمی‌باشند، لذا بند اخیرالذکر از این جهت خلاف موازین شرع و مغایر بند ۱ اصل ۳ و اصل ۶۷ قانون اساسی شناخته شد. ۱۱- ...».

۳. طرح الحاق دو تبصره به ماده (۲۸) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۹/۷ که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده بود.

۴. همان، تبصره (۳).

نمود.^۱ بنابراین، باتوجه به نظرات یادشده، سوگند نمایندگان تشریفاتی نبوده و مفاد آن واجد اثر است. از این منظر، یکی از اقداماتی که به نحوی خلاف «عدالت»، «امانت داری» و «تأمین مصالح عمومی جامعه» (به ویژه انتصاب مقامات حوزه انتخابیه نمایندگان) است، دخالت بی جا در عزل و نصب مقامات اجرایی است؛ چراکه دخالت مزبور که قاعداً خلاف قواعد حقوقی است، منجر به نصب شخصی خواهد شد که روال قانونی را طی نکرده است و از این جهت، عدالت فرد را از جهت عدم پشتیبانی از نصب فرد شایسته قانونی در منصب خویش، خدشه دار می کند.

۳-۴. ملی بودن ماهیت نمایندگی مجلس از منظر اولویت مصالح ملی

مطابق با اصل ۶۲ قانون اساسی: «مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می شوند، تشکیل می گردد...». عبارت «نمایندگان ملت»، ظهور در آن دارد که نمایندگان مجلس پس از انتخاب شدن به سمت نمایندگی، تعلق به حوزه انتخابی خاصی ندارند و نماینده کل ملت محسوب می شوند. همچنین، براساس اصل ۸۴ قانون اساسی، «هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید». به موجب اصل مذکور، هر نماینده سمت نمایندگی خود را از سوی همه ملت دریافت می دارد و به همین خاطر هم، در برابر همه ملت مسئول است. هرچند که هر نماینده، رأی خود را از حوزه انتخابیه خود اخذ می کند و خود را مدیون آرای ایشان می داند و در کنار شأن ملی، باید پاسدار حقوق حوزه محلی خود نیز باشد؛ اما اعتبار نمایندگی به وسیله بخشی از مردم اعطا نشده تا نماینده در دوران تصدی خود تنها در پی حل و فصل امور حوزه انتخابیه خود باشد و به همین علت، در عزل و نصب مقامات اجرایی حوزه انتخابیه خود دخالت نماید. هر نماینده از سوی حوزه انتخابیه خود وارد مجلس می شود؛ ولی طرف مقابل او، تمام مردم کشور هستند نه مردمی که به او رأی داده اند. نماینده باید همواره صلاح و مصلحت مردم را در نظر گیرد و اظهار نظرهای او در محدوده حقوق موکلین و برای مصالح آنان باشد. او نمی تواند نظرهای شخصی خود را ملاک عمل قرار دهد و اگر تصمیماتی برای نفع و منفعت خویش بگیرد، باطل است (حبیب نژاد، ۱۳۸۵، ص ۱۳۲). نماینده شهری اگر عملی را به نفع و مصلحت کشور، ولی به ضرر رأی دهندگان حوزه انتخابی می بیند، می تواند آن عمل را انجام دهد. شاهد بر این مطلب، وظایفی است که برای نمایندگان مردم در قوانین اساسی دنیا در نظر گرفته می شود که در رأس آنها مصالح عمومی کشور و ملت قرار دارد، نه فقط مصالح مردم حوزه انتخابیه (حبیب نژاد، ۱۳۸۵، ص ۱۳۲). ملی بودن ماهیت نمایندگی در بیانات رهبر انقلاب نیز مورد توجه بوده و ایشان تمرکز نمایندگان بر حل و فصل امورات حوزه

۱. نظر شماره ۶۴۵۴/۳۰/۸۲ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۵ شورای نگهبان.

انتخابیه از طریق دخالت در امور اجرایی را مذموم دانسته‌اند.^۱ بنابراین، نماینده باید همواره صلاح و مصلحت مردم را در نظر گیرد و اظهارنظرها و تصمیم‌گیری‌های او در محدوده حقوق همه موکلین و برای مصالح آنان باشد. از این‌رو، اینگونه به‌نظر می‌رسد که بهترین طریق تضمین مصالح ملی کشور، انجام امور و عزل و نصب مقامات اجرایی براساس ضوابط قانونی است؛ بدون آنکه اعمال فشار و نظر سیاسی بر صاحبان صلاحیت انتخاب مدیران وجود داشته باشد. هرگونه اعمال نظر، شائبه دخالت نظرات شخصی را در پی دارد که در وهله نخست، خلاف مصالح ملی به‌نظر می‌رسد.

۳-۵. اخلال در نظام اداری صحیح و ایجاد تبعیض ناروا

مطابق با بند (۱۰) اصل سوم قانون اساسی نیز یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران، ایجاد نظام اداری صحیح می‌باشد. لذا، از آنجاکه دخالت در عزل و نصب مقامات اجرایی، نظام اداری صحیح را که بایستی براساس ضوابط قانونی استوار باشد، مورد خدشه قرار می‌دهد؛ این اقدام از مصادیق نقض بند مذکور از اصل سوم قانون اساسی است. از این‌رو، نمایندگان ملت باید به‌جای اقدامات عملی و خارج از حدود وظایف و اختیارات خود، برای جذب و به‌کارگیری افراد خاص در مناصب اجرایی، با وضع قوانین مناسب شرایط عادلانه تصدی مناصب اجرایی را فراهم آورند. همچنین، یکی دیگر از آثار سوء اقدامات نمایندگان مجلس در پی عزل و نصب مقامات اجرایی و اعمال فشار جهت استخدام افراد مدنظرشان در مناصب دولتی، ایجاد تبعیض ناروا و تضييع حقوق افراد شایسته است. مطابق با بند (۹) اصل ۳ قانون اساسی، «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» ازجمله وظایف دولت شناخته شده است. مطابق با اصول دیگر قانون اساسی نیز این اقدامات نمایندگان مغایر با اصل تساوی افراد در برابر قانون است. به‌عنوان نمونه، در اصل (۱۹) مقرر شده است: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود». مطابق با اصل (۲۰) قانون اساسی نیز: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند». در اصل (۲۸)^۲ نیز دولت مکلف شده است تا شرایط مساوی را برای احراز

۱. «اینکه ما خیال کنیم که نماینده فلان شهر و فلان حوزه انتخابیه بودن، معنایش این است که بیاییم و بگوییم «آنجا اسفالت ندارد»، یا «آب ندارد»، یا «دانشگاه ندارد» یا چه و چه، این وظیفه نمایندگی نیست. شما باید قانونی را بگذرانید که بتواند امور همه جای کشور را متکفل شود، بمافیه حوزه نمایندگی شما؛ تا مبدا حوزه نمایندگی‌تان از قانونی که همه‌جانبه وضع نشده است، به اقتضای کیفیتش، خارج بماند...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱/۳/۲۰).

۲. هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

مشاغل ایجاد نماید. همچنین، مطابق با اصل (۴۳)^۱ نیز تأمین شرایط و امکانات کار باید برای همه به‌نحوی تأمین شود که منجر به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص نشود. در سیاست‌های کلی آمایش سرزمین ابلاغی ۱۳۹۰/۹/۲۱ مقام معظم رهبری نیز «ایجاد امکانات عادلانه و فرصت‌های برابر و رفع تبعیض ناروا در مناطق کشور» جهت دستیابی به تعادل‌های منطقه‌ای متناسب با قابلیت‌ها و توان‌های هر منطقه مورد تأکید قرار گرفته است. در ماده (۴) قانون نظارت بر رفتار نمایندگان نیز مقرر شده است: «(سوءاستفاده از اختیارات نمایندگی و اخذ هر نوع امکانات و امتیازات از بخش‌های دولتی، عمومی و خصوصی به هر عنوان و هر شکل، توسط نماینده به‌نفع خود و اقربای وی به ناحق و اعمال نفوذ و استفاده از سمت نمایندگی برای این منظور و سوءاستفاده از اطلاعات و اسناد در دسترس وی ممنوع و مرتکب، مستوجب اعمال مجازات ماده (۶) این قانون است». البته، پیشنهاد گزینه‌های مستعد برای تصدی مناصب، لزوماً امری مذموم نیست؛ لکن اگر این معرفی به‌معنای اصرار بر گزینه باشد؛ به‌معنای تبعیض ناروا است. در این میان، حتی اگر نماینده‌ای معتقد باشد گزینه پیشنهادی وی دارای بهترین ویژگی‌ها جهت تصدی پست موردنظر است، اما به‌جهت آنکه خارج از فرآیند قانونی، بر گزینه خود اصرار می‌ورزد؛ نشان‌دهنده آن حقیقت است که وی از مقام نمایندگی خود به‌نفع شخص خاصی استفاده کرده است و قدرت بررسی سایر گزینه‌ها را از مقام انتخاب‌کننده زوده و از این جهت، عملکرد او مغایر بند (۹) اصل سوم قانون اساسی یعنی منع تبعیض ناروا تحلیل می‌گردد.

۳-۶. عدم ابراز وفاداری به ولایت مطلقه فقیه

مطابق با بخش دوم بند (۴) ماده (۳۱) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۴۰۲/۵/۱ مجلس شورای اسلامی، داوطلبان هنگام ثبت‌نام باید وفاداری خود را به اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه ابراز کرده باشند. در نظرات شورای نگهبان نیز وجود این شرط برای داوطلبان ضروری شناخته شده است. به‌عنوان مثال، در بند (۳) ماده (۲۸) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۹/۷ مقرر شده بود: «۳- ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه»؛ که در لایحه شماره ۲۰۷۱۲/۲۶۵۳۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۴ دولت که در مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی با

۱. اصل ۴۳ قانون اساسی: «برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادگی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس ضوابط زیر استوار می‌شود: ۱- ...
۲- تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند، ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد».

اصلاحاتی به تصویب رسیده بود، شرط مذکور حذف شد.^۱ شورای نگهبان، حذف این شرط را خلاف موازین شرع و مغایر بند (۱) اصل ۳ و اصل ۶۷ قانون اساسی شناخت: «باتوجه به اینکه یکی از قوای حاکم که نقش مؤثر در شئون مختلف حاکمیت نظام اسلامی دارد، مجلس شورای اسلامی است، حذف التزام علمی به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از بند (۱) ماده (۲۸) و حذف وفاداری به اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه از بند (۳) این ماده و اطلاق اکتفاء به شرط مسلمان بودن برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی در بند (۱) ماده (۲۸) موضوع ماده (۱۱) مستلزم تجویز ورود افرادی به مجلس می شود که عامل به احکام اسلام نیستند و التزام عملی به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران ندارند و نیز وفادار به اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه نمی باشند. لذا، بند اخیرالذکر از این جهت خلاف موازین شرع و مغایر بند (۱) اصل (۳) و اصل ۶۷ قانون اساسی شناخته شد».^۲ دخالت نکردن نمایندگان مجلس در عزل و نصب مقامات اجرایی در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی بارها مورد تأکید قرار گرفته و از منظر ایشان، این امر با وظایف نمایندگان در تعارض قرار دارد و نمایندگان باید از این امر اجتناب کنند؛ «یکی از آسیب ها ورود نمایندگان در مسائل اجرایی است؛ فرض بفرمایید وارد شدن در اینکه مدیرکل فلان تشکیلات در شهر ما یا در استان ما مثلاً فرض کنید که چه کسی باشد، چه کسی نباشد؛ استاندار، فرماندار و از این قبیل. حالا یک وقت در مواردی یک حالت اضطراری ممکن است رخ بدهد که آن موارد استثنائی را من کاری ندارم؛ اما به طور معمول، نمایندگان محترم از این مسائل اجرایی باید کناره بگیرند، وارد شدن در این مسائل و با مسئول اجرایی در این زمینه گفت و گو کردن و توافق کردن و امثال اینها خطراتی دارد؛ از این بایستی اجتناب بشود» (۱۴۰۰/۰۳/۰۶). از نگاه ایشان، نمایندگان مجلس نه تنها باید در عزل و نصب مقامات اجرایی دخالت نکنند؛ بلکه خودشان نیز نباید در دوران نمایندگی در صدد رسیدن به پست های اجرایی باشند: «... یکی از آسیب ها این است که نماینده از اولی که وارد مجلس می شود، نقشه رسیدن به فلان پست مثلاً اجرایی را در سر خودش پیرواند - که وزیر بشود، مدیر بشود، فلان [مسئول] بشود- نه، این وظیفه نمایندگی بسیار مهم است. اگر انسان برای خدا کار بکند و درست کار بکند، از وظایف اجرایی همیشه بیشتر است، یا لاقلاً در مواردی به قدر آنها اهمیت دارد. این جور نباشد که ما تا وارد مجلس شدیم، به فکر بیفتیم که خب حالا چه کار کنیم که مثلاً در مرحله بعد یا در فلان دولت به فلان پست [برسیم]؛ اینها آسیب ها است، مجلس از این قبیل آسیب ها دارد...» (۱۴۰۰/۰۳/۰۶). بنابراین، در صورتی که برای هیأت های اجرایی و یا شورای نگهبان مشخص شود، داوطلبی در طول دوران نمایندگی

1. [http://nazaratold.shora-](http://nazaratold.shora-rc.ir/Forms/FileLoad.aspx?id=8ncV7rDqhXQ=&TN=I7tLyhyOobj0SooAFUE3m9d5XYGi044i6e4f+1NCQCI=&NF=bHiIRfspeW0=)

[rc.ir/Forms/FileLoad.aspx?id=8ncV7rDqhXQ=&TN=I7tLyhyOobj0SooAFUE3m9d5XYGi044i6e4f+1NCQCI=&NF=bHiIRfspeW0=](http://nazaratold.shora-rc.ir/Forms/FileLoad.aspx?id=8ncV7rDqhXQ=&TN=I7tLyhyOobj0SooAFUE3m9d5XYGi044i6e4f+1NCQCI=&NF=bHiIRfspeW0=)

۲. نظر شماره ۸۲/۳۰/۲۷۱۲ مورخ ۱۳۸۲/۱/۱۱ شورای نگهبان.

خود در عزل و نصب مقامات اجرایی دخالت داشته است، می‌توانند به استناد بند پیش‌گفته صلاحیت وی را مورد تأیید قرار ندهند.

۳-۷. عدم التزام عملی به قانون اساسی

مطابق با بند (۴) ماده (۳۱) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، یکی از شرایط داوطلبان هنگام ثبت‌نام «ابراز وفاداری به قانون اساسی» است. منبعث از نظرات شورای نگهبان، این شرط جزء شروط اثباتی بوده و صرف اظهار نظر نسبت به آن نمی‌تواند این شرط را در داوطلبان احراز نماید. به‌عنوان مثال، در ماده (۲۸) لایحه شماره ۲۰۷۱۲/۲۶۵۳۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۴ دولت که در مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی با اصلاحاتی به تصویب رسید مقرر شده بود: «داوطلبان هنگام ثبت‌نام باید دارای شرایط زیر باشند: ۱- مسلمان بودن. ۲- ابراز وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در فرم ثبت‌نام. ۳- شورای نگهبان در بند (۱۱) اظهار نظر شماره ۸۲/۳۰/۲۷۱۲ مورخ ۱۳۸۲/۱/۱۱ بیان نمود: «صرف ابراز وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در فرم ثبت‌نام کفایت نمی‌کند و باید وفاداری به آن، احراز گردد...». همچنین، در طرح «اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی» مصوب ۱۳۹۸/۲/۳ مجلس شورای اسلامی نیز مقرر شده بود: «ماده ۲۸- نامزدهای انتخابات باید دارای شرایط عمومی و اختصاصی ذیل باشند: الف) شرایط عمومی: ۱- اعتقاد به اسلام ... ۴- ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل ولایت مطلقه فقیه ...». شورای نگهبان در بند ۲-۶ نظر شماره ۹۸/۱۰۲/۱۰۰۲۳ مورخ ۹۸/۲/۲۸ بند مذکور را مغایر با سیاست‌های کلی انتخابات و قانون اساسی اعلام نمود: «در جزء ۴ بند (الف)، اکتفاء به ابراز وفاداری بدون التزام عملی، مغایر بند ۱-۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات و بالنتیجه مغایر بند (۱) اصل ۱۱۰ قانون اساسی شناخته شد». بنابراین، صرف ابراز و یا ادعا نمی‌تواند شروط مذکور را در داوطلبان اثبات نماید. در نتیجه، از آنجاکه دخالت در عزل و نصب مقامات اجرایی مغایر با اصول پیش‌گفته از قانون اساسی است، هیأت‌های اجرایی و شورای نگهبان می‌توانند چنین اقداماتی را مغایر با التزام عملی به قانون اساسی تلقی نمایند.

۴. نتیجه‌گیری

مطابق با بند (۴) ماده (۳۱) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی «ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه»، یکی از شرایط انتخاب‌شوندگان هنگام ثبت‌نام است. یکی از چالش‌هایی که همواره در ارتباط با شرط مذکور وجود داشته، تعیین مصادیق و شیوه احراز آن بوده است. مطابق با بند (۱-۱۰) سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی ۱۳۹۵ مقام معظم رهبری، مجلس شورای اسلامی مکلف شده است تا معیارها و شاخص‌ها و شرایط عمومی و اختصاصی داوطلبان را در چارچوب قانون اساسی به شکل دقیق تعیین نماید که تاکنون مجلس نسبت به شرط مذکور که از جمله

شرایط کیفی و تفسیرپذیر است، قانون‌گذاری ننموده است. این امر ممکن است موجب برداشت‌های متفاوت از سوی مراجع ناظر بر صلاحیت داوطلبان از جمله هیأت‌های اجرایی و یا شورای نگهبان باشد. اگرچه این پژوهش درصدد بیان تمام مصادیق شرط پیش‌گفته نبوده است؛ اما یافته‌های این تحقیق اثبات نمود داوطلبانی که سابقه نمایندگی داشته و در عزل و نصب مقامات اجرایی غیر از وزرا در زمان تصدی خود غیر از مقام مشورت، دخالت‌های متعدد نموده‌اند و به دنبال منافع شخصی، گروهی و قومی بوده و از این طریق از جایگاه نمایندگی خود سوءاستفاده کرده‌اند، فاقد شرط مذکور هستند. ازجمله دلایل زایل‌کننده شرط مذکور در این داوطلبان می‌توان به تبعیض ناروا و اخلال در نظام اداری صحیح (بندهای ۹ و ۱۰ اصل ۳)، خدشه به اصل استقلال قوا (اصل ۵۷)، حنث سوگند نمایندگی (اصل ۶۷)، انحصار امور اجرایی در قوه مجریه مبتنی بر نظرات شورای نگهبان و تضعیف ملی بودن ماهیت نمایندگی مجلس اشاره نمود. لازم است ذکر شود که اقدامات نمایندگان در عزل و نصب مقامات اگر جنبه مشورت یا توصیه داشته باشد، از شمول حکم مذکور مستثنی است و باید بین صلاحیت‌های نظارتی نمایندگان مجلس شورای اسلامی همچون تحقیق و تفحص (اصل ۷۶)، سؤال (اصل ۸۸)، استیضاح (اصل ۸۹) و حق اظهارنظر در مسائل داخلی و خارجی (اصل ۸۴) با امر «دخالت» قائل به تفکیک بود. در نهایت آنکه، شورای نگهبان نمی‌تواند در طول دوران نمایندگی نمایندگان مجلس در این رابطه ورود نماید و به آنها تذکر دهد.

فهرست منابع

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۳). فرهنگ معاصر عربی-فارسی. تهران: نشر نی.
- ارسطا، محمدجواد؛ عامری، زهرا (۱۳۹۲). نظارت سیاسی بر قدرت در اندیشه علوی. علوم سیاسی، شماره ۶۳، ص ۷-۳۲.
- انوری، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ بزرگ سخن. تهران، نشر سخن، ج ۳.
- باقری خوزانی، محمدحسن؛ عطریان، فرامرز؛ مسعود، غلامحسین (۱۴۰۰). حدود صلاحیت مجلس شورای اسلامی در تفصیل و تبیین شرایط رئیس جمهور با تأکید بر سیاست‌های کلی انتخابات. دانش حقوق عمومی، ۱۰(۳۳)، ص ۵۷-۸۲.
- باقری خوزانی، محمدحسن؛ عطریان، فرامرز؛ مسعود، غلامحسین (۱۴۰۲). واکاوی شاخصه‌های تضمین شفافیت در انتخابات ریاست جمهوری (مطالعه ابعاد ناظر به نامزدهای انتخاباتی). دانش حقوق عمومی، ۱۲(۴۱)، ص ۱۲۷-۱۵۰.
- حبیب‌نژاد، سید احمد (۱۳۸۵). ماهیت نمایندگی با تکیه بر مفاهیم اسلامی-فقهی. حقوق اسلامی، شماره ۸، ص ۱۲۵-۱۴۸.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۱/۳/۲۰). بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2624>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۰/۳/۶). بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47927>
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه. تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- راجی، سید محمدهادی؛ برومند، محمد (۱۳۹۲). معیارهای تشخیص و محدوده امور تقنینی و اجرایی در آراء شورای نگهبان. دانش حقوق عمومی، ۲(۴)، ص ۹۹-۱۲۳.
- راسخ، محمد (۱۳۹۰). نظارت و کنترل در نظام حقوق اساسی. تهران: نشر دراک.
- راعی، مسعود؛ عطریان، فرامرز (۱۳۹۱). حاکمیت قانون و احکام حکومتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. حکومت اسلامی، شماره ۱، ص ۱۲۳-۱۴۶.
- سیاست‌های کلی انتخابات مصوب ۱۳۹۵/۷/۲۴ مقام معظم رهبری.
- صنّعی منفرد، محمدعلی (۱۳۸۰). استقلال قوا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. حکومت اسلامی، شماره ۲۲، ص ۵۱-۸۳.
- طحان‌نظیف، هادی؛ قلیچ‌پور، سجاد (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی تعیین شرایط داوطلبان نمایندگی مجلس در پرتو قانون اساسی و سیاست‌های کلی انتخابات. دانش حقوق عمومی، ۱۰(۳۱)، ص ۱۹-۴۲.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۵). حقوق اساسی ایران. تهران: انتشارات مجد.
- عمید زنجانی، عباسعلی؛ موسی‌زاده، ابراهیم (۱۳۸۹). دانشنامه فقه سیاسی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فتاحی زفرقندی، علی (۱۳۹۷). شورای نگهبان: نظارت بر انتخابات. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
- فلاح‌زاده، محمدعلی؛ موسی‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۷). تکنیک تقنین و اجراء: تحلیل مرزهای صلاحیت تقنینی در روابط قوای مقننه و مجریه. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.

- قاضی شریعت‌پناهی، سید ابوالفضل (۱۳۷۳). *بایسته‌های حقوق اساسی*. تهران: نشر میزان.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۵۸.
- قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۴۰۲/۵/۱ مجلس شورای اسلامی.
- قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی اصلاحی ۱۳۷۸/۹/۲۶.
- قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ مجلس شورای اسلامی.
- مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: مرکز الکتاب للترجمه و النشر، ج ۱۴.
- معین، محمد (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ملک‌افضلی، محسن (۱۳۸۲). *نظارت و نهادهای نظارتی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نبی، علی (۱۴۰۱). *مصادیق جرم تظاهر و مداخله در امر وکالت (درنگی در مراد قانونگذار)*. *تحقیقات حقوقی*، دوره ۲۵، ص ۳۳۳-۳۵۳.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۲). *نظارت شورای نگهبان انضباطی است، نه استصوابی و نه استطلاعی*. *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، شماره ۳۱، ص ۱۷۹-۱۹۰.